

## ارمغان ایران

برگرفته از کتاب «فرزند ایران» میر جلال الدین کزازی

نثر: ساده و روان

## واژه های مهم

پیراسته: پاکیزه، آراسته	کهن: قدیمی
آلایش: آلودگی	درازنا: طول: درازا
پلشتی: آلودگی، ناپاکی	سپند: مقدس، ارجمند
ددی: وحشی گری	قَر: شکوه
والایی: ارجمندی	فروغ: روشنایی
خاستگاه: محل پیدایش	فرزانگی: دانایی
بُخردان: دانایان	فرهیخته: ادب آموخته
روشن رای: نیک اندیش	تیره رای: بد اندیش
گُرد: پهلوان	خیره روی: گستاخ
پُردل: شجاع	ارمغان: سوغات، هدیه
همگنان: همگان، همه	خرد: عقل
بُن جان: صمیم دل، ته قلب	پاس: احترام، حق شناسی
تبار: اصل، نژاد	خامه: قلم
نستوه: خستگی ناپذیر	نزاده: اصیل، نجیب
سزاوار: لایق، شایسته	بسنده: کافی
دریغ: کوتاهی	خَرْد: کوچک، ریز
خیرگی: حیرت	سِتبر: محکم
خوار: پست، ذلیل	سَتوار: پایدار، ثابت
بیشه: نی زار، جنگل کوچک	تکاپوی: تلاش، کوشش

## چند نکته مهم از متن درس:

- ☀️ سرفرود آوردن: ← کنایه از احترام گذاشتن
- ☀️ استوار چون کوه می کوشند: ← تشبیه
- ☀️ شیر شیران هستی: ← تشبیه
- ☀️ بیشه فرهنگ و ادب و اندیشه: ← تشبیه «فرهنگ و ادب و اندیشه را به بیشه تشبیه کرده است
- ☀️ بار بر دوش نهادن: ← کنایه از مسئولیت بر عهده کسی گذاشتن

## دانش ادبی: واج آرای یا نغمه حروف

**واج آرای:** به تکرار یک حرف یا صدا (صامت، مصوت) در یک عبارت یا بیت، واج آرای یا نغمه حروف گفته می شود.

**صامت:** به تمام حروف الفبا، صامت گفته می شود.

مانند: آ، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، .....

**مصوت:** به دو دسته تقسیم می شود:

۱. مصوت کوتاه: - ، - ، -

۲. مصوت بلند: آ، ای، او

مثال:

★ خیال خال تو با خود، به خاک خواهم برد:

« واج آرای در حرف خ »

★ جان بی جمال جانان، میل جهان ندارد:

« واج آرای در حرف ج »


★ ریاست به دست کسانی خطاست، که از دستشان، دستها بر خداست:

« واج آرای در حرف س »

## همدلی و اتحاد


نثر: ساده و روان برگرفته از کتاب «جامع التواریخ» خواجه رشید الدین فضل الله

فرمانروایی فرزندان خود را پند می داد و در آن میان چوبه تیری از تیردان بیرون کشید و به ایشان داد و گفت: « بشکنید » به اندک نیرویی شکستند دیگر بار دو عدد داد. باز به آسانی شکستند.

پند: نصیحت  چوبه تیر: تیر چوبی  تیردان: جعبه تیر  دیگر بار: باردیگر 

نثر روان: پادشاهی فرزندان خود را نصیحت می کرد و در حال نصیحت کردن یک تیر چوبی را از جعبه تیر بیرون آورد و به فرزندان داد و گفت: بشکنید همه به راحتی شکستند. باردیگر دو تیر به هریک داد و دوباره تیرها را شکستند.

بدین ترتیب بر تعداد چوب ها افزود تا به بیش از ده رسانید. آنگاه زور آزمایان از شکست آن در ماندند.

زور آزمایان: کسانی که با هم رقابت می کردند 

نثر روان: به همین شکل بر تعداد تیرها اضافه کرد تا به بیشتر از ده تیر رسید. در این هنگام فرزندان که در شکستن تیرها با هم رقابت می کردند نتوانستند تیرها را بشکنند.

**تاکید حکایت بر داشتن همدلی و اتحاد برای کسب موفقیت و پیروزی است.**

مصطفی ناصری